عکس از نعیم احمدی / ایران ورزشی Nimi. Ahmadi

نگهبانان قفس توری

لیگ برتر تقریباً دو سوم از فصل نوزدهم خود را پشت سر گذاشته و تنها ۱۰ هفته دیگر از این رقابت‌ها باقی مانده. در این مسیر طی شده چهره مدعیان و ستاره‌ها عیان شده و آنها را بهتر و بیشتر می‌شناسیم. رقابت دروازه‌بانان در لیگ برتر یک نبرد غیرمستقیم و پرهیجان است که در لیگ برتر جریان دارد. ستاره‌هایی با شماره یک که با درخشش و کیفیت والای خود یک رقابت جذاب را رقم زده‌اند و هر کدام برای شماره یک تیم ملی شاخ و شانه می‌کشند. صفحه آنالیز امروز رقابت نگهبانان قفس توری لیگ و مدعیان شماره تیم ملی را زیر ذره‌بین برده است.

در جست‌وجوی شانس در تیم ملی

رحمتی خودش را به یاد دارد؟

مازیار گیلکان

۱

شاید مهدی رحمتی را درون دروازه تیم ملی فراموش کرده‌اید اما احتمالاً او هنوز خودش را فراموش نکرده و همچنان از بهترین شماره یک‌های لیگ برتر است. برکناری جنجالی او از تیم ملی و حکایتش با کارلوس کی‌روش، رحمتی را از تیم ملی دور و دورتر کرد اما رحمتی هرگز عقب ننشست و اگرچه تیم ملی را از دست داد اما همیشه در لیگ برتر درخشید و دوری‌اش از تیم ملی به حسرت تبدیل شد.

شاید در دسته کسانی باشید که در کنار گذاشتن رحمتی از تیم ملی، حق را به کارلوس کی‌روش بدهید. بله، او سرمربی تیم بود و حق داشت بهترین تصمیمات را بر اساس ایده‌ها و چارچوب‌های خود برای تیم ملی بگیرد. کم نبودند کسانی که در این زمینه با کی‌روش همدل بودند و البته می‌دانستند که رحمتی چقدر دروازه‌بان قابلی برای تیم ملی بود و هست.

حالا سال‌ها گذشته و رحمتی در تمام این سال‌ها در قواره شماره یک تیم ملی در لیگ برتر درخشیده. او حتی وقتی از استقلال دور شد نیز انگیزه‌هایش را از دست نداد و حالا ستاره شهر خودرو است. همین نشان می‌دهد که رحمتی می‌تواند بر شرایط و اتفاقات و ماجراها و حاشیه‌ها غلبه کند و همچنان بدرخشد. این ویژگی فوق‌العاده‌ای برای یک دروازه‌بان است. هنوز باید صبر کنیم و ببینیم که آیا مثلاً علیرضا بیرانوند در چنین موقعیت‌هایی چه واکنش‌هایی نشان می‌دهد و آیا می‌تواند بر همه چیز غلبه کند و بدرخشد؟

مهدی رحمتی اگرچه دیگر آن دروازه‌بان جوان سال‌ها پیش نیست اما همچنان تفاوتی با سال‌های جوانی ندارد و قدرتمندانه در لیگ با جوان‌ترها رقابت می‌کند.

حالا که کارلوس کی‌روش سرمربی تیم ملی نیست و ایران در آستانه بازی‌های سرنوشت‌ساز در راه جام جهانی است، چه بسا دراگان اسکوچیچ بخواهد شانس بازی با مهدی رحمتی را امتحان کند. رحمتی دروازه‌بان کم‌تجربه‌ای نیست که بازی دادن به او در مسیر جام جهانی پرریسک باشد، بنابراین فارغ از ذهنیت‌های گذشته شاید اسکوچیچ او را نیز در فهرست بازیکنان خود ببیند. این قابل پیش‌بینی نیست که اسکوچیچ چه تصمیمی بگیرد؟ آیا مثل ویلموتس بی‌اعتنا به رحمتی تیمش را ارنج می‌کند یا تصمیم دیگری خواهد گرفت؟

مهدی رحمتی حتی اگر در جدلش با کی‌روش مقصر بود، حالا سال‌ها گذشته و بزرگترین تنبیه را نیز تجربه کرده و در بهترین سال‌های فوتبالش تیم ملی و جام جهانی را از دست داده است. توجه دوباره به او چندان عجیب نیست و اگرچه بیرانوند جوان‌تر است و پیام نیازمند نیز به دروازه‌بان مورد اعتمادی تبدیل شده اما دلیلی وجود ندارد که اسکوچیچ بخواهد رحمتی را الزاماً نادیده بگیرد.

سال‌ها گذشته و رحمتی در تمام این سال‌ها در قواره شماره یک تیم ملی در لیگ برتر درخشیده

مهدی رحمتی با مهار بیش از ۷۵ درصد شوت‌های در چارچوب، متوسط ۲/۲ مهار در هر بازی، ۱۰ کلین‌شیت و معدل کمتر از یک گل خورده در هر بازی، یکی از بهترین‌های فصل جاری است و البته تجربه‌های بزرگی دارد که به کار تیم ملی می‌آید. چشم بستن به روی او در ادامه تصمیم کی‌روش می‌تواند غیرمنطقی تلقی شود، مگر آنکه سرمربی تیم ملی تصمیم بگیرد تیم جوان‌تری بسازد.

نمی‌دانیم مهدی رحمتی همچنان برای بازی در تیم ملی نقشه‌ای در سر دارد یا نه اما بعید است او خود را برای همیشه در دروازه تیم ملی فراموش کرده باشد.

عقاب پروری در لیگ برتر

یک گردان شماره یک

سام ستارزاده

۲

سنگربان شماره یک تیم ملی در حالی چمدان خود را به مقصد بلژیک بسته تا جدیدترین نماینده فوتبال ایران در قاره سبز باشد، که آمار فنی لیگ نوزدهم او را در جرگه برترین‌های لیگ داخلی قرار نمی‌دهند. در پنج سال گذشته، علیرضا بیرانوند هم آرامش خاطر زمان احمدرضا عابدزاده را به قفس توری سرخ‌های تهران بازگردانده بود و هم خیال فوتبالدوستان را از بابت جانشینی سیدمهدی رحمتی در تیم ملی آسوده ساخته بود. با این وجود، رقبای زیادی در فصل جاری، گوی سبقت را از قلعه‌چی لرستانی ربودند.

پیام نیازمند جوان و باانگیزه و شهاب گردان و سیدمهدی رحمتی که نمی‌خواهند تمام شوند، سیدحسین حسینی از تیم رقیب و بوژیدار رادوشویچ در تیم خودی، محمدرشید مظاهری در تراکتور مدعی و حامد لک از ماشین‌سازی میانه جدولی، همه به رکوردهای کلین‌شیت، درصد مهار و نرخ گل خورده به شوت او در چارچوب تاختند.

در لیگ دفاعی ایران نمی‌توان بدون داشتن یک دروازه‌بان مطمئن نتیجه گرفت

آمادگی بالای این دروازه‌بانان این پیام را می‌رساند که در لیگ دفاعی ایران، نمی‌توان بدون داشتن یک دروازه‌بان مطمئن نتیجه گرفت. این موضوع، با نگاه به تغییرات قعر جدول لیگ در نیم فصل دوم بیشتر به چشم می‌آید. شاهین بوشهر با اوج‌گیری گلر گرجستانی‌اش، ماکسیم ویلیتایا، خود را از رده انتهایی جدول کند و پیکانی را به پله آخر فرستاد که چهارمین خط حمله برتر و آقای گل لیگ نوزدهم را در اختیار دارد. پاشنه آشیل این پیکان هم دقیقاً در چارچوب دروازه است؛ جایی که مهدی امینی، وحید شیخ‌ویسی و آرام آیراپتیان با سلسله‌ای از اشتباهات مدرسه‌ای، حسین فرکی و سپس عبدالله ویسی را از خود ناامید کردند. آمار پایین گلزنی لیگ، سال‌هاست که برچسب دفاعی را به رقابت‌های داخلی ایران چسبانده و عبارت «فقر گلزنی» را به‌عنوان یکی از معضلات اصلی لیگ در ذهن ما حک کرده اما عملکرد ستودنی دروازه‌بانان ایرانی که تأثیر آن عمدتاً در این آمار نادیده گرفته می‌شود، روی زیبای این فوتبال کم‌گل است که اغلب از پرداختن به آن غافل هستیم.

اگر در دهه ۷۰ از تصور تیم ملی بدون عابدزاده واهمه داشتیم، در اوایل دهه ۸۰ به استحکام قفس توری تیم ملی اطمینان نداشتیم و در دوران سیدمهدی رحمتی هم جرأت سپردن پیراهن شماره یک به هیچ گزینه دیگری را نداشتیم، امروز کمترین دغدغه را در پست دروازه‌بانی داریم. وضعیت سنگربانان کشورمان به‌قدری مطلوب است که بیرانوند با تمام ویژگی‌های منحصربه‌فردش و تمام مهارهایش، حاشیه امنیت چندانی در جمع ملی‌پوشان ندارد و باید به آب و آتش بزند تا در فیفادی مهرماه انتخاب نخست دراگان اسکوچیچ باشد.

در فصلی که پیام نیازمند رکورد کلین‌شیت متوالی تاریخ لیگ را برای چهارمین مرتبه در ۵ سال گذشته ارتقا داد، مهدی رحمتی و شهاب گردان در نیمی از دیدارهای تیم‌هایشان گل نخوردند، ناصر سالاری به‌طور میانگین ۳/۴ مهار در هر بازی به‌ثبت رساند و حتی حامد لک با مهارهای تحسین‌برانگیزش در قائمشهر و تبریز دلبری کرد، بیرانوند تهدید رادوشویچ را هم به‌خوبی حس کرد که در ۷ دیداری که به‌جای او در ترکیب پرسپولیس قرار گرفت، تنها یک گل دریافت کرد. این اتفاق، بستر را برای ایجاد یک چرخه مطلوب رقابتی ایجاد می‌کند؛ آن هم میان دروازه‌بانانی که می‌توانند عصای دست اسکوچیچ باشند در پیمودن راه پرپیچ‌وخمی که قرار است به قطر ختم شود. لیگ برتر ایران اگر قرار باشد به یک علت تحسین شود، بی‌شک آن علت «عقاب‌پروری» است. از حیث معرفی قلعه‌چی‌های باکیفیت متعدد در سال‌های اخیر، فوتبال کشورمان بی‌تردید نمره قبولی می‌گیرد.